

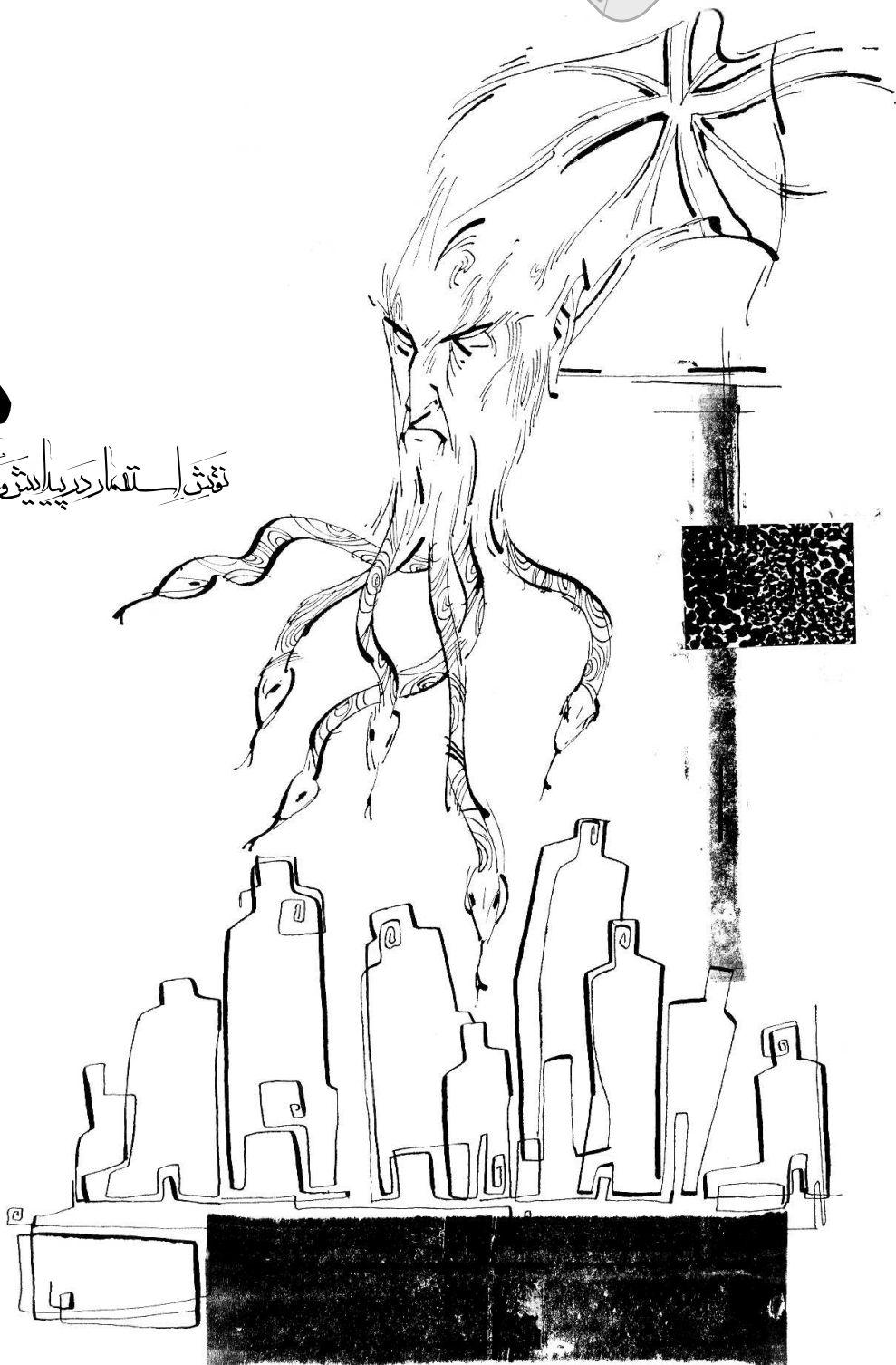
ماهی

نمایشگاه آثار دیپلماتیک ترنور

مجاهد علی بهشتی

چکیده

میرزا غلام احمد قادیانی، فرقه قادیانیه و یا احمدیه را در شبه قاره هند در اواخر قرن نوزدهم پایه گذاری کرد. وی این کار را با نقشه‌های شوم استعمار انگلیس انجام داد. در این مقاله، به طور مختصر به زندگی میرزا احمد قادیانی و خدمات او به استعمار، پرداخته شده است. اعلان حرمت جهاد و جاسوسی برای استعمار، از مهم‌ترین خدمات میرزا غلام احمد قادیانی به استعمار به شمار می‌آید.



واژگان کلیدی

میرزا غلام احمد قادیانی، فرقه قادیانیه (احمدیه)، قادیان، استعمار، انگلیس.

مقدمه

میرزا غلام احمد قادیانی، فرقه قادیانیه را بنیان گذارد. وی فرزند میرزا غلام مرتضی از اهالی روستای قادیان از توابع شهرستان گرداس پور (گورداس پوره) ایالت پنجاب است.^۱

او در سال ۱۸۳۹ و یا ۱۸۴۰ و بنا به نقلی در سال ۱۸۳۵ میلادی متولد شد و در سال ۱۹۰۸ از دنیا رفت و در قادیان به خاک سپرده شد.^۲

قادیانی تعلیماتش را در زادگاهش شروع کرد و در همان جا منطق و فلسفه و علوم دینی را فرا گرفت. او در نزد پدرش با طب و علم نجوم نیز آشنا شد.

قادیانی خود را از قوم مغول می‌دانست که از سمرقند به پنجاب رفته‌اند.^۳ با وجود این، وی در جایی اصالت خود را فارس دانسته است. وی ضمن آن که به مغول بودن خود اشاره می‌کند، خویش را فارس می‌داند.^۴ قادیانی ادعا می‌کند که خدا به وی وحی کرده که قوم مغول از ترک‌ها نبوده بلکه از فارس هستند. افزون بر این، وی برخی از اجداد خود را از بنی فاطمه می‌داند.^۵

قادیانی در پی این تناقض‌گویی دو هدف دارد: حفظ نسب خانوادگی خود، و دیگر سودجویی از روایاتی که مهدی علیه السلام را مردی از اهل فارس و یا از اولاد فاطمه علیها السلام معرفی کرده‌اند.

پدر غلام احمد و برادرش، خدمات زیادی به استعمار انگلیس کرده‌اند. وقتی بریتانیا در قرن نوزدهم هندوستان را تصرف کرد، مردم در سال ۱۸۵۷ میلادی علیه استعمار به پا خاستند. با وجود این، پدر قادیانی (غلام

مرتضی) در کنار استعمار قرار می‌گیرد و از کمک جانی و مالی برای آنان دریغ نمی‌کند.^۶

پدر قادیانی در جنگ ۱۸۵۷ میلادی نیز کمک بسیاری به انگلستان کرد و حدود پانصد سوار با پنجاه اسب در خدمت ارتش انگلستان گمارد. دولت نیز به جهت این کمک‌ها در نامه‌هایی از خاندان وی تشکر کرده است.^۷ بعد از فوت پدر قادیانی، برادر بزرگ‌تر او به خدمت دولت در آمد و در بعضی جنگ‌ها نیز شرکت کرد.^۸

بنابر گفته قادیانی، پس از مرگ پدر و برادرش، او که آدم گوشه‌نشینی بود، به خدمت دولت درآمد و هفده سال با قلم خود به دولت خدمت کرد. در این مدت، در همه نوشته‌هایش مردم را برای اطاعت از دولت انگلیس و هم‌دردی با آنان ترغیب نمود، به گونه‌ای که در ممنوعیت جهاد سخن‌رانی‌های مؤثری کرد. از آن روی که حرمت این مسئله برای قادیانی مهم می‌نمود، آن را در دیگر کشورها تعمیم داد. در این زمینه، کتاب‌های عربی و فارسی نوشت و هزارها روپیه پول خرج کرد.^۹ وی به سال ۱۸۹۷ میلادی در جشن تولد شصت سالگی ملکه ویکتوریا (ملکه انگلستان که به او ویکتوریه می‌گفتند و لقبش قیصره بود) آغاز به نوشتن رساله‌ای به نام «تحفه قیصریه» نمود که آن را در سال ۱۸۹۹ میلادی به پایان رساند. او در این کتاب ملکه را سایه خدا برشمرد و اطاعت او را اطاعت از خدا یاد کرد - او مراد از «اولوالامر» در آیه ۵۹ سوره نساء را ملکه دانست.^{۱۰}

توطئه‌های دولت انگلستان علیه اسلام و مسلمانان

دولت انگلستان برای این که مقاومت‌های مسلمانان را در کشورهای اسلامی خنثا کند، به تدابیری دست زد و از هیچ تلاشی فروگذاری نکرد.

یکی از این نقشه‌های دولت انگلیس در سال ۱۸۵۹ میلادی، مطرح کردن شخصی به نام «احمدخان» بود. احمدخان سعی می‌کرد بین تعالیم مسیحی و اسلامی نزدیکی ایجاد کند تا سلطه مسیحیان توجیه‌پذیر باشد. او در کتاب تبیان الکلام که در این باره نوشت، کوشید تا اثبات کند تورات و انجیل تحریف نشده‌اند. بعد از مدتی نیز وی بی‌دینی را اظهار کرد و تنها به وجود طبیعت قائل شد.

انگلستان پس از به کار گرفتن احمدخان برای رسیدن به نتایج وسیع‌تر و مفیدتر به فکر ایجاد فرقه‌ها افتاد^{۱۱} و برای تحقق آن از تمام امکانات و توانایی‌های سیاسی، فرهنگی و نیروی انسانی خود مایه گذاشت.

هدف این حرکت استعماری، نابودسازی اسلامی بود که انگلستان قدرت آن را رقیب خود می‌دانست. این مأموریت در هندوستان به قادیانی و در ایران به میرزا حسین علی معروف به بهاءالله سپرده شد. بهاءالله به دلیل سادگی، خیلی زود دشمنی خود را با اسلام آشکار ساخت و شکست خورد، اما قادیانی که مکار بود، بغض خود را به اسلام مخفی نگه داشت و مأموریتش را به انجام رساند. وی نخست خود را متجدد، مهدی و بعد پیامبر معرفی کرد و ادعا نمود که نبی مرسل است و به او وحی می‌شود.^{۱۲}

شهرت قادیانی بین مسلمین و رغبت مسلمین به او

هند در قرن نوزدهم، زیر سلطه انگلیس بود. مبلغان مسیحی فوج فوج به هند می‌رفتند و به تبلیغ دین خود می‌پرداختند. آنان اهانت به اسلام و مقدسات را وظیفه خود می‌دانستند و به پیامبر ﷺ ناسزا می‌گفتند. همین نیز از توطئه‌های استعمار بود.^{۱۳} بنابر ادعای قادیانی، مسیحیان در زمان حکومت انگلستان، تبلیغ‌های گسترده‌ای انجام می‌دادند تا آنجا که در سال ۱۸۵۷ میلادی تعداد مسیحیان ۹۱ هزار نفر بود و در سال ۱۸۸۱ میلادی این تعداد به ۴۷۰ هزار نفر رسید. از طرفی، مذاهب هندو نیز با مسلمانان و تعلیمات اسلام دشمنی می‌نمودند. غلام احمد کتاب براهین احمدیه را در پاسخ به مسیحیان تألیف کرد. وی کتاب‌هایی نیز با موضوعات مختلف در پاسخ به هندوها و پادری‌ها نوشته است.^{۱۴}

مسلمانان در این برهه از زمان به جهت وجود شبهات در اسلام، کسانی را که به شبهات پاسخ می‌دادند، تشویق می‌کردند. غلام احمد قادیانی نیز فرصت را غنیمت می‌شمرد و مردم را دعوت می‌کرد تا در نشر کتاب‌هایش به او کمک کنند.^{۱۵} وی حتی اسامی کسانی را که در چاپ کتاب به او کمک کرده بودند، آورده است.^{۱۶}

انگلستان از اختلافات و مناظرات بهره کافی می‌برد و حاکمیت خود را تثبیت می‌کرد. قادیانی به دلیل توجه مسلمین خودش را مدافع اسلام می‌خواند و اعلامیه‌هایی بر ضد نصاری و هندو پخش می‌کرد. مردم، زمانی که کتاب براهین احمدیه وی چاپ شد، به دلیل وجود تناقضات به نیرنگ او پی بردند.

قادیانی در خدمت اهداف استعمار

الف) بزرگ‌ترین خدمت قادیانی به استعمار، فتوای او بر حرمت جهاد بود. وی با این که در صفوف مسلمانان بود، برای مسلمانان جایز نمی‌دانست که بر ضد انگلیس اسلحه بردارند؛ زیرا حکم جهاد را برداشته بود.^{۱۷} می‌گفت خدا محتاج به شمشیر نیست بلکه دین خود را با آیات آسمانی تأیید خواهد کرد.^{۱۸} کسانی که فکر می‌کنند مهدی ﷺ و مسیح عَلَيْهِ السَّلَام با شمشیر خواهند آمد، بی‌عقل و نادان هستند؛ چون موعود با معجزه‌ها خواهد آمد و از خون‌ریزی پرهیز خواهد کرد.^{۱۹}

ب) دولت انگلستان برای اهداف جاسوسی خود از قادیانیه استفاده می‌کرد. برای مثال،

پدر غلام احمد و برادرش، خدمات زیادی به استعمار انگلیس کرده‌اند. وقتی بریتانیا در قرن نوزدهم هندوستان را تصرف کرد، مردم در سال ۱۸۵۷ میلادی علیه استعمار به پا خاستند. با وجود این، پدر قادیانی (غلام مرتضی) در کنار استعمار قرار می‌گیرد و از کمک جانی و مالی برای آنان دریغ نمی‌کند.

قادیانی زیر سایه انگلستان

پسر قادیانی درباره پرورش یافتن پدرش زیر سایه انگلستان می‌گوید:

چنانچه حضرت موسی علیه السلام در خانه فرعون پرورش یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله در قوم ثقیف پرورش یافت (در حالی که این قوم راهنمایی لشکر ابرهه را برای انهدام کعبه به عهده داشت) و یا حضرت عیسی علیه السلام در قوم یهود بزرگ شد، پرورش یافتن میرزا غلام احمد زیر سایه انگلیس، ادامه همان حکمت الهی بوده است. این سنت الهی در هر زمان و مکان جاری است که حق را از خانه دشمن به ظهور برساند.^{۲۳}

علی‌رغم این که پسر قادیانی یا واقعاً ساده بوده و یا خود را به حماقت می‌زده، دولت استعمار انگلیس را مانند فرعون و یهود می‌دانست و طاغوت می‌خواند و به همکاری پدرش با این دولت اعتراف می‌کرد.

گفتنی است که نمی‌توان بین قادیانی و حضرت موسی علیه السلام و یا دیگر پیامبران این گونه مقایسه کرد؛ زیرا پیامبران مصداق این آیه شریفه بوده‌اند:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^{۲۴}

و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

در حالی که او به اعتراف خود و پسرش، سلطه کفار را برای خود افتخار می‌دانست.

زمانی که بریتانیا می‌خواست به افغانستان حمله کند، یکی از ارادت‌مندان خود به نام «عبداللطیف» را در افغانستان به هند فراخواند و به غلام احمد قادیانی سپرد تا تعالیم قادیانیه را بیاموزد. این فرد، بعد از مدتی در افغانستان مأمور به جاسوسی شد و کارش را در آن کشور آغاز کرد. قادیانیه در دولت عثمانی نیز فعالیت‌های جاسوسی داشت و انگلستان از این عناصر مزدور علیه دولت عثمانی استفاده می‌کرد.^{۲۰}

ج) بین دولت انگلیس و حرکت صهیونیست رابطه تنگاتنگی بوده و دو طرف قراردادهایی در حفظ منافع یکدیگر داشته‌اند. نقش قادیانیه‌ها در این میان، حفظ منافع هر دو طرف بوده است؛ به دلیل این که قادیانی‌ها دست‌نشانده انگلستان بودند و انگلیس نیز خود در جهت منافع یهودی‌ها فعالیت می‌کرد. بر اساس همین منافع مشترک، فرقه بهائیت نیز پدید آمد و حرکت استعماری انگلیس در منطقه سرعت گرفت. اعضای این دو فرقه به طور منظم و سازمان یافته، برای صهیونیست‌ها جاسوسی می‌کردند و یهودیان را باری می‌رساندند.^{۲۱}

بشیرالدین محمود پسر غلام احمد در سال ۱۹۲۴ میلادی از فلسطین دیدن کرد و کارکرد خود را در نفع صهیونیست، برای بزرگان یهود بیان نمود.^{۲۲}

پی‌نوشت‌ها:

۱. غلام احمد قادیانی، ستاره قیصریه، ص ۳، انتشارات ضیاء الاسلام، قادیان ۱۸۹۹ میلادی.
۲. یوسف العاص الطویل، احمد دیدات بین القادیانیه و الاسلام، ص ۱۶۳، انتشارات مکتب مدبولی، ۲۰۰۲ میلادی.
۳. غلام احمد قادیانی، لجة النور، ص ۷، انتشارات ضیاء الاسلام، قادیان ۱۳۲۸ قمری.
۴. احسان الهی ظهیر، القادیانیه دراسات و تحلیل، ترجمه غلام احمد قادیانی، ص ۱۷، (نقل از حاشیه اربعین)، چاپ اول: انتشارات مکتبه العلمیه، مدینه منوره، ۱۳۸۷ قمری.
۵. همان، ص ۷۷، (نقل از ضمیمه حقیقه الوحی).
۶. مهدی فرماتیان، «قادیانیه»، فصل‌نامه هفت آسمان، ش ۱۷، سال پنجم، بهار ۱۳۸۲ شمسی، ص ۱۵۹.
۷. غلام احمد قادیانی، البریه مع آیات رب البریه، ص ۲۳، انتشارات ضیاء الاسلام، قادیان، ۱۸۹۸ میلادی.
۸. همان، ص ۴ و ۵.
۹. همان، ص ۶.
۱۰. القادیانیه: دراسات و تحلیل، ص ۲۷، (به نقل از غلام احمد قادیانی، ضروره الامام، ص ۲۳)
۱۱. احمد دیدات بین القادیانیه و الاسلام، ص ۱۶۶.
۱۲. القادیانیه: دراسات و تحلیل، ص ۱۹ - ۲۰ و ص ۲۶۸.
۱۳. احمد دیدات بین القادیانیه و الاسلام، ص ۱۶۹.
۱۴. غلام احمد قادیانی، روحانی خزائن، ج ۱، ص ۱ و ج ۲، ص ۳، بی‌نا، بی‌تا.
۱۵. احمد دیدات بین القادیانیه و الاسلام، ص ۱۷۰.
۱۶. غلام احمد قادیانی، براهین احمدیه، ج ۱، ص ۳، انتشارات سفیر هند، ۱۸۸۰ میلادی.
۱۷. القادیانیه: دراسات و تحلیل، ص ۲۰.
۱۸. عبدالله سلوم سامرائی، القادیانیه و الاستعمار الانجلیزی، ص ۱۴۶، (به نقل از میر غلام احمد قادیانی، سفینه النوح، ص ۸۴ - ۸۵)
۱۹. روحانی خزائن، ج ۱۲، ص ۲۶۵.
۲۰. مصباح‌الدین زاهدی، القادیانیه و خطرهما علی الاسلام، ص ۵۰.
۲۱. القادیانیه و الاستعمار الانجلیزی، ص ۲۳۸.
۲۲. همان، ص ۲۴۳.
۲۳. میرزا بشیرالدین محمود احمد (فرزند و خلیفه ثانی قادیانی)، تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۶۰.
۲۴. سوره نساء، آیه ۱۴۱.